فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و دوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۰۴-۹۱ Vol 2. No 22. 2018, p 91-104
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

تحلیل فقهی و حقوقی مبانی شهادت شهود

مریم شیخ الاسلامی
دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان
parvaresh.1366@gmail.com

چکیده

شهادت یکی از ادله ی اثبات دعوا و جرم است که با حصول شرایطی در قوانین کیفری و مدنی پذیرفته شده است. در فقه و حقوق مدنی و کیفری شرایط برای شاهد در نظر گرفته شده است که در صورت عدم وجود هر یک شهادت مورد استماع واقع نخواهد شد. از سوی دیگر در قانون موضوعه شرایطی نیز برای قاضی از منظر تایید و پذیرش شهادت قرار داده شده است که با جمع این موارد می توان شهادت را بعنوان یکی از ادله مهم و مورد استناد در حکم دانست. اما مساله ای که حایز اهمیت است تطبیق مبانی فقهی و حقوقی شهادت است که همواره موجب اختلافاتی شده است و در قانون مدنی سابق ایراداتی را از این باب ایجاد نموده بود.

واژه‌های کلیدی: شهادت و بینه، شهود، مبانی، اعتبار، فقه و حقوق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

شهادت بعنوان یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال از مهمترین وسایل و ادله اثبات دعوی می‌باشد که از نظر فقها، عبارت از همان اعلام و اخبار است که در آن قطع و یقین شرط شده است و شهادت گاهی به معنای تحمل شهادت، یعنی گواه شدن و گاهی به معنای ادای شهادت، یعنی گواهی دادن است.

شهادت برای اینکه دارای ارزش اثباتی در دعاوی باشد بایستی دارای شرایط لازم باشد که این شرایط عبارتند از صفات شاهد از قبیل بلوغ، عقل، عدالت، ایمان، طهارت مولد و مبری بودن از تهمت و همچنین شهادت باید از روی قطع و یقین باشد، مطابقت با دعوی داشته باشد و شهادت شهود باید مفادا متحد و در معنا با هم موافق باشند هر چند که در لفظ مخالف هم باشند بر خلاف حقوق اسلام (فقه امامیه) در حقوق مدنی ایران در ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص درجه ارزش اثباتی شهادت و تاثیر آن در اثبات دعاوی به نظر شخص قاضی واگذار شده است، در حالی که در حقوق اسلام (فقه امامیه) قاضی بایستی براساس شهادت شهود مبادرت به اصدار رای نماید.

ارزش اثباتی شهادت شهود در حقوق اسلام (فقه امامیه) بر خلاف حقوق مدنی ایران با تعداد شهود معین در تمامی دعاوی حقوقی دارای ارزش نامحدودی است در فقه امامیه‌چنانچه شهود از شهادت خود پیش از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم رجوع نمایند، بر هر کدام از موارد مذکور، آثاری خاص مترتب است و مسئولیت شهود در هر مورد متفاوت است، در حالی که در حقوق مدنی ایران به این کیفیت و به طور تفصیلی اشاره‌ای نشده است. در فقه نیز تنها به بیان شرایط شاهد پرداخته شده است. لذا در این نوشتار تلاش بر آن است که مبانی و شرایط شهادت از منظر فقه و حقوق مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مرور مفاهیم ضروری

۱-۱ مفهوم شهادت

شهادت واژه ای عربی است که از ریشه شهد به دست آمده و دارای معنای مصدری"خبردادن" و اسم مصدری خبر است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ص۳۱۹۵) شهادت عبارت است از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد قاضی. (محمدی، صدیقی، ۱۳۹۵، ص۳)

در قوانین کیفری و مدنی ایران شهادت تعریف نشده است و از واژه گواهی دادن و بینه استفاده شده است. با این حال با مراجعه به عرف مفهوم شهادت را عبارت از گواهی دادن نقل حادثه ای که رخ داده و شاهد آن را دیده یا شنیده و یا لمس، چشیده و یا بوییده است بیان کرده اند. به همین دلیل اکثر تعاریف به اعلام دیده ها و شنیده های شاهد اکتفا می کند و آن را از مقوله اخبار می پندارد. به همین خاطر نباید آن را در زمره اعمال حقوقی قرارداد.

شهادت در فقه به معنای خبردادن قطعی از حق کسی است و توام با قطع و جزم است از وجود حقی برای غیر که از سوی غیر قاضی به عمل می آید. (لنگرودی، ۱۳۸۱، ص۸۷۸). براین اساس، شهادت را باید

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

همانند اقرار اعلام کرد و نمی توان از سکوت، نظر شاهد را استنباط کرد. لذا لفظ شهادت در فقه، اعلام و اخبار از چیزی است که خبر دهنده به آن علم داشته باشد، چه علم از طریق حواس ظاهری و. . (گلپایگانی، ۱۴۰۵، ص۳۰۴)

همچنین با توجه به اینکه شهادت در لغت و عرف به یک معناست، لذا می توان در اخبار از روی علم نسبت به امری که متعلق به دیگری است، استناد نمود. چرا که مصداق اخبار از روی علم است.

۲-۱ مفهوم بینه

بینه در لغت به معنای دلیل، حجت قوی و برهان آمده است. لفظ بینه مشتق از ریشه بان بوده و صفت مشبهه ای است که موصوف آن حجت و دلیل است. بنابراین بینه عبارت است از دلیل واضح و آشکار که زوایای پنهانی نداشته و مترادف با لفظ برهان است.

لفظ بینه در کلام خدا و رسول او و نیز در کلام صحابه به معنی مطلق آن یعنی هر آنچه که حق را آشکار می کند، بکار رفته است که اعم از تعبیری که در اصطلاح فقها بکار می رود است. (قاسمی حامد، ۱۳۸۰، صص۳۴-۳۶)

در واقع لفظ بینه بدلیل کثرت استعمال در شهادت دو شاهد، منقول عرفی یا حداقل منقول شرعی است، لذا مقصود ازبینه در شرع، همان شهادت است نه مطلق دلیل.

اما مناسبت اطلاق بینه به دو شاهد را باید حدیث رسول اسلام مبنی بر"البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر"که وفق آن مدعی حق باید برای ادعای خود دو شاهد بیاورد دانست، چرا که اگر مقصود مطلق دلیل بود شامل ید نیز می شد و می توانست بعنوان دلیل منکر تلقی شود که در نتیجه دو دلیل در عرض یکدیگر بوده و در تعارض با هم قرار می گرفتند و بینه بعنوان یک دلیل مطلق نمی توانست بر دلیل مطلق دیگری حاکم گردد.

لازم به ذکر است لفظ بینه را می توان حقیقت در معنای لغوی آن دانست و با استناد به روایت منقول از امام صادق، در شرع فقط بعنوان شاهد استعمال شده است. (همان)

۲-شرایط شاهد

در خصوص شرایط شاهد میان فقها اختلاف نظراتی وجود دارد. علامه حلی در کتاب ارشاد الاذهان شش شرط عمومی وپنج شرط اختصاصی و در کتاب قواعد الاحکام هفت شرط را بیان نموده است. (علامه حلی، ۱۴۱۰، ص۱۵۵)

شهید اول در اللمعه الدمشقیه، هفت شرطو در الدروس الشرعیه، شرایط را ده عدد ذکر نموده است (شهید اول، ۱۳۰۴، ص۳۰) و مرحوم خویی در مبانی تکلمه المنهاج، پنج شرط را برای شاهد ذکر نموده است. (خویی، ۱۳۹۱، ص۷۷)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با این حال اکثر فقها در بیان شرایط شاهد و شهادت، شش شرط را لحاظ کرده اند.

الف: بلوغ

علمای شیعه و سنی به اتفاق شهادت غیر ممیز را مردود دانسته اند ولی در باره شهادت طفل ممیز بین علمل اختلاف است که دلیل اختلاف نظر چند روایت است که موجب برداشت های متفاوت شده است.

ب: عدالت

عدالت حالتی است که آدمی را باز می دارد از اینکه خدای تعالی را نافرمانی کند، لذا شهادت فاسق یعنی کسی که مرتکب گناه کبیره شده است و یا در گناه کبیره اصرار و تکرار دارد قبول نیست.

ج: ایمان

برخی از فقها نظیر مکی اسلام را مستقلاً در کنار ایمان به عنوان یک شرط ذکر کرده اند، ولی اکثر فقها به ذکر ایمان اکتفا کرده اند و اسلام را به عنوان شرط مستقلی ذکر ننموده اند چرا که اسلام و ایمان یکی، مترداف هستند و هر مومنی هم مسلمان است. (مکی، بی تا، ص۴۱۷)

د: طهارت مولد

حلا ل زاده بودن که وفق آن شهادت ولذالزنا باطل است حتی اگر در مورد اموال ناچیزی باشد.

ه: عقل

ویژگی بسیار مهم در شهادت وجود عقل برای شاهد است. بنابراین شهادت مجنون به دلیل اجماع قبول نیست، بلکه این مطلب جز ضروریات دین و مذهب است.

ی: ذی نفع نبودن

یعنی با شهادت خود نفعی را به دست نیاورد یا ضرری را از خود دور نسازد. (یوسف زاده و رامک، ۱۳۹۶، ص۲۱)

۳- مبانی شهادت

مبانی شهادت را از منظر قانون موضوعه و فقه به بحث می نشینیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱-۳ مبانی قانونی شهادت

دو مبحث اقرار و شهادت در حقوق موضوعه بسیار قابل بحث است. به همین منظور قانونگذار نیز در جلدسوم حقوق مدنی یعنی مبحث ادله اثبات دعوی در کتاب اول به موضوع اقرار در دعاوی مدنی پرداخته است و شرایط و آثار اقرار مورد توجه قرار داده است. برای مثال در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، در بند اول آن اقرار از ادله اثبات دعوی شمرده شده است در حالی که تعریف اقرار در ماده ۱۲۵۹ این گونه آمده است که " اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر به ضرر خود " هرچند که نحوه اقرار بسیار گسترده و عام است. لیکن بر اساس ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی " اقرار واقع می شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید " کلمه هر لفظی در این ماده قانوی مطلق است و شامل هر نوع لفظی در جهت اقرار کردن می باشد هر چند که اقرار باید صریح و شفاف باشد. از سوی دیگر، در ماده ۱۲۶۸ قانون مدنی آمده است که " اقرار معلق موثر نیست " اما تمامی اثبات ها و نفی ها در مبحث اقرار حول محور اصلی صحت اقرار می چرخد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص۵۱)

لازم به ذکر است، قبل از اصلاحیه مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ قانون مدنی مصوب مجلس شورای اسلامی، میزان ارزش شهادت شهود با عنایت به مواد (۱۳۰۶) الی (۱۳۱۲) آن قانون جهت اثبات دعاوی مدنی بسیار محدود بوده و ارزش آن با توجه به میزان و موضوع دعوی با الهام از قانون مدنی فرانسه دارای نصاب بوده و حداکثر تا پانصد ریال قابلیت اثبات و استناد داشت. اما با عنایت به اصلاحیه مزبور و همچنین اظهارنظر مورخ ۱۳۶۷/۸/۸ فقهای شورای نگهبان و قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۴ مجلس شورای اسلامی راجع به حذف مواد (۱۳۱۰)، (۱۳۰۸)، (۱۳۰۷)، (۱۳۰۶)و (۱۳۱۱) و همچنین غیر شرعی اعلام نمودن ماده (۱۳۰۹)(۵) قانون مدنی تحول ریشه‌ای و اساسی در ارتباط با ارزش شهادت شهود در نظام حقوقی ما به وقوع پیوست. علاوه بر این، مبانی قانونی مربوط به شهادت را می‌توان در مواد (۱۴۸) الی (۱۷۲) از قانون آیین دادرسی کیفری و مواد (۲۲۹) لغایت (۲۴۷) از قانون آیین دادرسی مدنی یافت که در خور تأمل فراوان است.

ماده (۱۳۰۶) سابق قانون مدنی اشعار می‌داشت: «جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و تعهدات و ایقاعات که موضوع آن عین یا قیمتی که بیش از پانصد ریال باشد. نمی‌توان فقط به استناد شهادت ثابت کرد» ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای حکم و مزید اطلاع و کشف حقیقت از اظهارات شهود استفاده کنند. از سویی دیگر ماده (۱۳۱۰) نیز مقرر می‌داشت: اگر موضوع دعوی، عقد یا ایقاع بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان آن را به وسیله شهود اثبات کرد، اگر چه مدعی، مدعی به خود را به پانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرف نظر کند. » پس از پیروزی انقلاب با عنایت به اینکه تطبیق قوانین با موازین اسلامی به موجب اصل چهارم قانون اساسی در سرلوحه کار قانون‌گذار قرار گرفت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

لذا در این راستا مواد فوق‌الذکر در اصلاحیه مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ مجلس شورای اسلامی حذف گردید. چه آن‌که اصولاً در حقوق اسلام اثبات دعاوی به استناد شهادت شهود دارای هیچ محدودیتی نمی‌باشد، لذا در مغایرت مواد محذوف با موازین اسلامی علی‌الظاهر تردیدی وجود ندارد. بنابراین، حذف مواد مرقوم کاملاً منطقی و قابل توجیه می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به گذشت سالیان دراز از زمان تصویب قانون شهادت و امارات مصوب سال ۱۳۰۸ و همچنین سقوط ارزش واحد پول ایران محدوده دعاوی را که موضوع آن عیناً و قیمتاً حداکثر پانصد ریال باشد دیگر وجود نداشت و به این ترتیب صرف نظر از فقدان مشروعیت موارد مرقوم، اصولاً مواد فوق‌الاشعار با توجه به شرایط اقتصادی حتی از اهداف قانون‌گذار در سال ۱۳۰۸، به کلی به دور افتاده است. (بهرامی، ۱۳۸۹، ص۱۶۳-۱۶۶).

اما در قانون مجازات اسلامی نیز شرایط اقرار بدین شرح بیان شده است: " اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد: ۱ – عقل ۲ – بلوغ ۳ – اختیار ۴ – قصد بنابراین اقراردیوانه و مست و کودک و مجبور واشخاصی که قصد ندارند مانند ساهل و هازل و نائم و بیهوش نافذ نیست. " بنابراین مهمترین نکاتی که در اقرار نزد قاضی باید بدان توجه کامل و مبسوطی داشت شرایط صحت اقرار است. اختیار و قصد دو رکن اساسی در هر اقرار است که بدون آن دو هیچ گونه مسئولیت کیفری لااقل بر اساس قانون مجازات اسلامی برای هیچ شخص حقیقی بوجود نمی آید. (خزاعی، ۱۳۸۷، ص۴۲)

در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار به کرّات از اقرار به ارتکاب جرم به عنوان یکی از ادله اثبات جرم سخن گفته است. این دلیل در مقایسه با سایر ادله اثبات جرم، همزمان می تواند به عنوان بهترین و بدترین دلیل شناخته شود. بهترین دلیل است از این جهت که دادرس می‌تواند بر اساس آن و بدون هیچگونه تردیدی راجع به رفتار و مسؤولیت متّهم اظهارنظر نماید؛ از اینرو، در حقوق جزای عرفی، اقرار را به عنوان شاه دلیل می شناسند. با این همه، اقرار می تواند بدترین دلیل در بین ادله اثبات جرم باشد چرا که ممکن است طریق تحصیل آن نامشروع و غیر قانونی بوده باشد. چنان که بعید نیست اقرار صورت گرفته، متضمّن شرایط لازم برای سلامت آن نباشد، یا مثلاً در اثر تهدید و شکنجه حاصل شده باشد. طبیعتاً اقراری که بدون رعایت شرایط موردنظر قانونگذار و شارع مقدّس صورت گرفته باشد در فرآیند کیفری پذیرفته نیست، امّا در مقابل، چنان چه اقرار متضمّن تمامی شرایط مدّنظر قانونگذار باشد آثاری را به دنبال خواهد داشت که در فرآیند کیفری حائز اهمیّت است (جعفری، ۱۳۹۵، ص۱۴۶).

۲-۳ مبانی فقهی شهادت

همانگونه که گفتیم، شهادت یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق اسلامی است. قرآن به عنوان معتبرترین کتاب آسمانی و یگانه سند مکتوب راهنمای زندگی بشر که به دور از تحریف و جعل حقایق، در دسترس ما قرار دارد در موارد متعددی به شهادت و لزوم ادا و اقامه آن در دعاوی اشاره نموده است. برای نمونه در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره، و همچنین آیه ۴ سوره نور و آیه ۲ سوره طلاق بر لزوم شهادت و گواهی تأکید کرده است. همچنین، روایات زیادی نیز درباره شهادت نقل شده است. (حر عاملی، ۱۹۸۳، ص۴۰۳)

در برخی از کتب فقهی اصطلاح بیّنه نوعاً به جای اصطلاح شهادت استعمال گردیده است و بیّنه را مطابق با شهادت شهود تلقی نموده و علت این امر آن بوده است که در اغلب موارد از شهادت شهود به عنوان بیّنه دعوی استفاده می‌شده است و به همین دلیل است که در قانون موضوعه نیز بینه و شهادت مورد استناد است.

از نظر فقهی اصطلاح بیّنه به معنی تعدادی شهود که قانوناً شهادت و گواهی آنان می‌تواند یک قضیه حقوقی اعم از جزایی یا مدنی را اثبات نماید تعریف شده است. (گروه پژوهشی حقوق دانشگاه، علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷، ص۱۹).

حدیث معروف نبوی "البینهٔ علی المدّعی و الیمین علی من انکر"[۱] بیانگر منشاء حجیت و اعتبار بینه است.

فقها نظریات مختلفی را در خصوص حجیت بینه در قضاوت بیان کرده اند. برای مثال برخی نظیر آیت الله موسوی گلپایگانی معتقدند که شارع، بینه را تنها بر دو شاهد مرد اطلاق کرده است و مواردی چون شهادت یک مرد و دو زن، شهادت زنان و شهادت مرد همراه با سوگند مدعی را، هر چند از نظر شرعی معتبر باشند، نمی‌توان مصداق بینه شمرد. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۵، ص ۱۹۰)

آیت الله نراقی نیز اطلاق بینه را بر شهادت یک مرد و دو زن نیز صحیح می‌دانند عده‌ای یک شاهد مرد و سوگند مدعی را نیز بدان افزوده‌اند. (نراقی، ۱۴۰۵، ص۲۱۱)در برابر این اقوال، کسانی نظیر آیت الله فاضل معتقدند که بینه به این موارد منحصر نمی‌شود و هر گونه دلیلِ شخصِ مدعی که بتواند مستند حکم قاضی قرار گیرد، مصداق آن است .(فاضل آبی، ۱۴۱۰، ص۳۲۸)

در خصوص ادله حجیت و به عبارت دیگر مبانی شهادت از منظر فقه نکات ذیل حایز توجه است.

الف: درخصوص ملاک حجیت شهادت دو نظر بیان شده است و اکثریت فقها شهادت دو مرد عادل را ملاک قرارداده اند (مومن قمی، ۱۳۸۰، ص ۵۱۰)

ب: ففهای امامیه غالباً علم به بینه را مقدم بر شمرده اند و معتقدند قاضی در صورت علم داشتن نیازی بع بینه ندارد. چرا که فلسفه شهادت و بینه این است که شخص منکر درستی ادعای مدعی گردد.

ج: در دعاوی قضایی مدعی حق ارائه بینه دارد بی آنکه بر او واجب شده باشد، لذا می‌تواند درخواست سوگند بدهد و به این طریق به ترافعات یا اثبات جرم پایان دهد.

د: شهادت شاهدان در صورتی پذیرفته می‌شود که بر خلاف هم شهادت ندهند.

ه: لازم به ذکر است، قبول بینه، چه در محضر قاضی و چه در امور غیرقضایی، چند شرط عامّ دارد که در قسمت شروط شاهد بیان شد و وجود هر یک الزامی است. (حدادعادل، ۱۳۷۵، ص۵۲)

---

۱. بینه بر عهده مدعی و قسم بر گردن منکر است

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤-شرایط شهادت

شرایط شهادت به شرح ذیل است:

الف: قطعی و یقینی بودن

قطعی و یقینی بودن شهادت: شهادت شاهد، باید از روی قطع و یقین باشد، اظهار با تردید و شک بلااعتبار است. شاهد باید از طریق حواس خود بر مورد شهادت اطلاع یافته باشد. گاهی اوقات بر شنیدن خبری شهادت می‌دهد که شاهد سمعی است .شاهد باید آنچه دیده یا شنیده با قطع و یقین همراه باشد. در شرح لمعه آمده است که پیغمبر(ص) آفتاب را در آسمان به شاهدی می نماید و می فرماید: اگر بدین روشنی می دانی شهادت بده وگر نه از این کار دست بدار. (شهید ثانی، ۱۴۲۴، ص۲۰۲)

ماده ۱۳۱۵ ق. م ناظر به همین امر است که می گوید شهادت باید از روی قطع و یقین باشد، نه به طور شک و تردید و علت هم آن است که شک و تردید موضوع ذهنی را از بیان واقعه مشهود به عقیده و اظهار نظر نزدیک می کند و شاهد نباید در شهادت نظر خود را دخالت دهد.

ب: تطبیق شهادت با دعوی

هر گاه دعوی نسبت به امری ومفاد شهادت امر دیگری را ثابت کند آن گواهی بدون اثر است. در موردی که شهادت جزئی از ادعا را ثابت کند به همان میزان موثر است وفق .ماده ۱۳۲۰ ق. م ": شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته، یا به واسطه ی مانع دیگری مثل بیماری، سفر، حبس و غیره نتواند حاضر شود. "رجوع از شهادت نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد. کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید، یا اشتباه و نظایر آن شهادت نادرست داده است. در این صورت دادگاه به چنان شهادتی ترتیب اثر نمی دهد. (محمدی و صدیقی، ۱۳۹۵، ص۱۰)

ج: توافق شهادت شهود در معنی

شهادت شهود باید در معنی توافق داشته باشد، لازم نیست الفاظ و عباراتی که شهود به کار می‌برند یکسان نباشد ولی لازم است معنی و مفهوم آن‌ها یکی باشد. بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از اظهارات آنها چیزهای یقینی مشترکی به دست آید. (همان)

٥- شهادت بر شهادت

گاهی شاهد، مستقیماً واقعه را ندیده و نشیده، لیکن از فردی که شاهد امر بوده، نسبت به وقوع آن اطلاع یافته است. در این حالت مشهودٌ به خود شهادیت دیگری است که اصطلاحاً شهادت فرع یا شهادت بر شهادت می گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص۳۹۸)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بنابراین شهادت بر شهادت تنها نسبت به استماعات است وشهادت بر دیده ها مشمول شهادت فرعی نیست. (محقق داماد، ۱۳۷۷، ص۵۹)

لازم به ذکر است مطابق ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ شهادت فرعی جنبه حق الناسی داشته و اعم از امور جزایی یا مدنی است. بنابراین موارد پذیرش شهادت فرعی محدود است و سخنان شاهد با توجه به اماره صحت مورد پذیرش است. (محمدی، ۱۳۸۱، ص۳۰)

مواد ۲۳۱قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۲۰، تبصره ماده ۵۹ همگی موکد این نکته هستند که شهادت بر شهادت در امور کیفری پذیرفته شده است و با توجه به اینکه جایگاه شهادت در میان مصادیق یقینی و ظنی، بنا بر تاکید قانون ف تمایل به امور یقینی است، پس شهادت بر شهادت جز دلایل است و اماره بودن آن رد معنای خاص دلیل، جایگاهی ندارد. با این حال قانون مدنی در ماده ۱۲۸۵ به بیراهه رفته و اماره را شامل دلایل می داند. البته قوانین مختص ادله، منتج به این می شود که تشخیص، اماره است و ظنی، لیکن شهادت بر شهادت که در آن احتمال خطاست، جز دلایل محسوب می شود. (قرجه لو، ۱۳۸۷، ص۷۶)

٦- رجوع از شهادت

اصطلاح رجوع از شهادت بدین معناست که شاهدی پس از اقامه شهادت در محضر دادگاه دلیلی ابراز نماید که شهادت وی صحیح نبوده است. حال ممکن است این دلیل مبنی بر اشتباهی بوده باد که بواسطه توهم در ادای شهادت ایجاد شده و یا تعمدی همراه با قصد بیان کذب باشد.

رجوع از شهادت را می توان در سه مرحله مورد بررسی قرارداد. لازم به ذکر است در سه مبحث دعاوی مالی، امور کیفری و مسائل خانوادگی و بعبارت دیگر احوال شخصیه رجوع از شرایط احکام متفاوتی دارد.

٦-١ رجوع از شهادت پیش از صدور حکم

اگر شاهد پیش از صدور حکم از شهادت خویش رجوع کند، اتفاق نظر بر این است که با استناد به چنین شهادتی حکم صادر نمی‌شود چرا که حکم تابع شهادت است و با رجوع شاهد، شهادت از میان می رود و ظن قاضی نیز مرتفع می گردد. برای مثال در ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی رجوع از شهادت بصورت مطلق بیان شده و قیدی در خصوص زمان رجوع وجود ندارد. از سوی دیگر، در ماده ۴۲۶ قانون ایین دادرسی مدنی در خصوص جهات اعاده دادرسی نیز تنها در موارد معینه در آیین دادرسی مدنی می توان اعاده دادرسی کرد. لذا در عدم ترتب اثر بر شهادتی که قبل از صدور حکم باشد و ممنوعیت قاضی از صدور حکم با استناد به شهاداتی که شهود از آن رجوع کرده باشد چون در این فرض شهادت منشا اثر حقوقی نشده است بنابراین لوازم حقوقی نیز در پی نخواهد داشت که البته این موضوع شامل مسئولیت کیفری شاهدی که در دادگاه شهادت دروغ داده است نخواهد بود. (مدنی، ۱۳۹۳، ص۶۱)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲-٦ رجوع از شهادت پس از صدور حکم

رجوع از شهادت پس از حکم را می توان به دو قسم تقسیم کرد.

الف- رجوع از شهادت در صورتی که حکم اجرا شده باشد و محکوم به نیز تلف شده باشد، که رد این حالت شهود باید غرامت مشهود علیه را بپردازند چرا که حکم نقض نمی گردد. با این حال این مساله مورد تردید است چرا که در ادامه حکم عده ای حکم به نقض وعده ای دیگر حکم به اجرا داده اند. علامه حلی در این خصوص چنین بیان می دارد:"اگر شهود قبل از تلف و بعد از اجرای حکم و یا پس از حکم و قبل از استیفا رجوع کنند اصلح عدم نقض است. (علامه حلی، ۱۳۲۹، ص۲۴۵)

امام خمینی در این خصوص عقدیه دارد که در حقوق الناس چنانچه پس از استیفاء شهود رجوع نمایند بنابر اقوی حکم نقض نمی شود اگر چه عین باقی بماند. (خمینی، ۱۴۰۳، ص۴۵۳)

لازم به ذکر است در مقابل این نظر که اگر در هر دو صورت چه حکم اجرا شده باشد و چه نشده باشد عده ای قائل به عدم نقض حکم هستند. برخی دیگر از فقها عقیده مخالفی دارند و قائل به نقض حکم در صورت رجوع شاهد حتی پس از اجرای حکم هستند. (شهید ثانی، ۱۴۰۴، صص۳۶۳)

با این حال نظر غالب بر این است که چنانچه پس از صدور حکم شهود از شهادت رجوع کند حکم نقض نمی‌شود و اگر اجرا هم شده باشد به قوت خویش باقی است و اگراجرا نشده باشد اجرا می پ‌شود. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص۹۱)

۷- تشخیص ارزش شهادت

در حقوق موضوعه قاضی مرجع تشخیص و ارزیابی شهادت است. با این وجود عده ای قائل به اختیار مطلق قاضی و عده ای دیگر قائل به اختیار مشروط قاضی در پذیرش و تشخیص صحت شهادت دارند.

۱-۷ نقش مطلق قاضی در پذیرش یا رد شهادت

وفق ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، تشخیص درجه ارزش و تاثیر گواهی به نظر دادگاه واگذار شده بود. بر این اساس ماده مذکور قانون سابق حقوق دانان بر نقش مطلق قاضی در پذیرش یا رد شهادت توافق کرده اند چرا که در یک نظام حقوقی که به موجب مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ قانون مدنی دایره دعاوی قابل اثبات با گواهی، بسیار مضیق تعیین شده بود، این ماده مطلقاً اختیار را به قاضی داده است. لیکن در قانون کنونی، برخلاف قوانین سابق که بی اعتنا به موازین شرعی و با الگو قراردادن حقوق خارجی در کاهش اعتبار و نقش شهادت کوشیده بود، در قانون گذاری های پس از انقلاب، شاهد تدابیری در راستای احیای نقش گواهی با وضع ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی وحذف مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸، ۱۳۱۰ و۱۳۱۱ قانون مدنی هستیم. همچنین قانون گذار اساسی با عنایت به اصول چهارم، هفتاد و دوم، نود و یکم که حاکمیت موازین شرع و لزوم مغایرت نداشتن قوانین وبا توجه به ارزش شهادت در فقه نمی توان مواد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قانونی نظیر ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی را بدون توجه به نقش و جایگاه فقه تفسیر کرد. (حسن زاده، ۱۳۹۴، ص۲۰۱)

۲-۷ نقش مشروط قاضی در رد یا پذیرش شهادت

حقوقدانان بسیاری نظیر دکتر شمس، دکتر مهاجری، دکتر زراعت و البته دکتر کاتوزیان به محدودیت اختیار قاضی در ارزیابی شهادت تصریح کرده اند.

دکتر شمس به موارد جمع نبودن همه شرایط صحت شهادت تصریح نموده است (شمس، ۱۳۸۴، ص۲۳۴) و دکتر مهاجری با انتقاد از ماده ۲۴۱ قانون آیین ادرسی مدنی درتحلیل آن به شرطی که با حجیت شهادت در موارد جمع شرایط مغایرت نداشته باشد، تلاش نموده است. (مهاجری، ۱۳۸۰، ص۱۷۵)

دکتر زراعت نیز با تاکید بر اختیاری بودن نقش قاضی در ارزش گذاری شهادت در مواردی که بینه شمرده می شود، ماده ۲۴۱ قانون مذکور را منصرف از بینه اعلام نموده است. (زراعت، ۱۳۸۳، ص۷۶۳)

دکتر کاتوزیان با بیانی متفاوت، ضمن تایید تحول قانون گذاری در ارزش گذاری شهادت و اعلام اختیار قاضی، محدودیت را رد کرده و از تحمیل شهادت بر قاضی انتقاد کرده است و وضع قانون آیین دادرسی سابق را سازگار با قوانین و مقررات در راستای حقوق بین الملل دانسته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص۸۰)

بنابراین به نظر می رسد با عنایت به تحولی که در قانون گذاری صورت گرفته ضمن ناکید بر نقش پررنگ قاضی، موازین فقهی که بر وجود جمیع شرایط شاهد و شهادت تاکید دارند حرکت کرده و بر این اساس از ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی نمی توان همان برداشتی که از ماده ۴۲۴ قانون سابق را داشت، نمود. لذا وضع ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و حذف مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ نیز وضعیتی کاملاً متفاوت با توجه به حاکمیت شرع و عدم مغایرت احکام با شرع نسبت به قوانین سابق ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

بیان هر دعوایی ـ اعم از عوای مدنی یا دعوای کیفری ـ در محاکم دادگستری، مستلزم اثبات آن است. به همین جهت به طور معمول در قوانین شکلی یا بعضاً قوانین ماهوی، به بحث‌های پیرامون «ادله اثبات دعوا» پرداخته شده است و انواع این دلایل و تمامی احکام و مقررات راجع به آنها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

یکی از مهمترین دلایل اثبات دعوا ـ چه در امور مدنی و چه در امور کیفری ـ «شهادت» یا به اصطلاح «شهادت شهود» یا «گواهی گواهان» است که از دیدگاه فقهی «بینه» نامیده می‌شود. غالباً در رسیدگی به دعوا و دلایل آن و بعد از صدور حکم، قاضی دچار یک نگرانی است و احتمال می‌دهد که در نتیجه انجام تکالیف از جانب او، حقی پنهان مانده باشد؛ ولی در حکمی که مستند آن «شهادت شهود» یا «اقرار مرتکب» باشد، گویا اصحاب دعوا و قاضی متفقا به یک نقطه رسیده‌اند. به همین دلیل «شهادت» و «اقرار» از آغاز تمدن بشر نزد همه ملل و جوامع از جمله جوامع اسلامی مورد توجه بوده‌اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

البته توجه داشت که بین «شهادت» و «ادعا» و «اقرار» تفاوت وجود دارد به این ترتیب که هرگاه اظهارات یک شخص راجع به واقعه‌ای دارای آن چنان نتایج و آثاری باشد که سود آن عاید شخصی دیگر و زیان آن هم متوجه شخص دیگری غیر از اظهارکننده گردد، از نظر حقوقی «شهادت» نامیده می‌شود؛ اما هرگاه فایده اظهارات شخص به خود اظهارکننده رسیده باشد و زیان آن متوجه دیگری گردد، از نظر حقوقی به عنوان «ادعای حق» تلقی می‌شود؛ لکن چنانچه اظهارات شخص به گونه‌ای باشد که زیانش متوجه خود او باشد و نفعش به دیگری برسد، از نظر حقوقی «اقرار» گفته می‌شود. شهادت از نظر فقهی دارای دو مرحله است یکی تحمل شهادت (شاهد شدن) و دیگری ادای شهادت (شهادت دادن) طبق آیه ۲۸۳ سوره بقره که می‌فرماید: «و لاتکتموا الشهاده و من یکتمها فانه اثم قلبه» «و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند قلبش گناهکار است» و آیه ۳ سوره طلاق که می‌فرماید: «و اقیموا الشهاده لله» «و شهادت را برای خدا برپادارید» شهادت یک نوع واجب شرعی است. از نظر شرعی شاهد گرفتن از جمله حقوق خصوصی افراد است لیکن ادای شهادت یک نوع واجب شرعی است. در قانون مدنی تا قبل از اصلاحات ۷۰/۸/۱۴ مواد ۱۰۳۶ تا ۱۳۱۴ به شهادت اختصاص یافته بود و با شهادت در فقه امامیه اختلاف داشت. قبلاً قانون مدنی ایران به پیروی از قانون مدنی فرانسه ارزش گواهی را محدود ساخته بود و آن را فقط در موارد خاص معتبر می‌دانست که با اصلاحات ۷۰/۸/۱۴ مواد ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ به علت ناسازگاری با فقه امامیه حذف گردید. شهادت در قوانین جزایی در بحث حدود، قصاص، دیات ارزش اثباتی دارد مثلاً در حدود زنا و لواط با شهادت چهار مرد قابل اثبات است و سایر حدود با شهادت دو مرد قابل اثبات هستند. در قصاص شهادت شهود ارزش اثباتی دارد و شهادت دو مرد عادل کافی است.

بنابراین صرف نظر از وجود شرایط ایجابی یکسری شرایط بعنوان شرایط اصلی در فقه و قانون وجود دارد که نظیر علم قاضی، عدم استماع و رجوع از شهادت که در نحوه شهادت و مورد حکم واقع شدن آن تاثیر می گذارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مأخذ

ـ بهرامی، بهرام، (۱۳۸۹)، بایسته های ادله اثبات، انتشارات موسسه فرهنگی نگاه بینه، چاپ دوم

ـ جعفری، مجتبی(۱۳۹۵) قلمرو حجیت اقراردر قانون مجازات اسلامی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان.

ـ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷) ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

ـ حداد عادل، غلامعلی(۱۳۷۵) دانش نامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامی، چاپ دوم، تهران

ـ حرعاملی، محمدبن حسن(۱۹۸۳) وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، چاپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت.

ـ حسن زاده، مهدی (۱۳۹۴) بررسی اختیار قاضی در تشخیص ارزش گواهی، فقه و حقوق سالامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۱.

ـ خزائی، سید علی (۱۳۸۷)نگرش نو بر تعارض سند با شهادت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه پایان نامه دکتری دانشگاه تهران.

ـ خمینی، روح الله (۱۴۰۳) تحریرالوسیله، جلد دوم، بیروت، دارالتعاف، چاپ سوم.

ـ خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۱)مبانی تکلمه المنهاج، مطبعه الاداب، جز اول.

ـ دهخدا، علی (۱۳۴۱)لغت نامه دهخدا، جلد هفتم، چاپخانه دانشگاه تهران.

ـ زراعت، عباس (۱۳۸۳) قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، چاپ اول، تهران، خط سوم.

ـ شمس، عبدالله (۱۳۸۴) آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دراک.

ـ شهید اول (۱۳۰۴)، اللمعه الدمشقیه، انتارات دارالفکر، جلد اول.

ـ شهید ثانی (۱۴۰۳)الروضه البهیه، جلدسوم، بیروت، دراحیاالتزاث العربی، چاپ دوم.

ـ علامه حلی (۱۴۱۰) ارشاد الاذهان، موسسه النشر اسلامیه، طبه الاولی، جزء الثانی.

ـ علامه حلی، (۱۳۲۹) قواعدالاحکام، جلددوم، چاپ سنگی.

ـ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، اثبات و دلیل اثبات، انتشارات نشر میزان، چاپ ششم.

ـ کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۵)اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

ـ محقق داماد، مصطفی(۱۳۷۷) قواعد فقه ۳، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

ـ محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۱) مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ـ محمدی، فاطمه و صدیقی، ابراهیم (۱۳۹۵) احکام و مبانی اقرار و شهادت و شرایط رجوع از آنها، نخستین همایش ملی علوم اسلامی، حقوق و مدیریت، قم، دانشگاه علمی کاربردی استانداری قم، اردیبهشت ماه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ محمدی، فاطمه و صدیقی، ابراهیم (۱۳۹۵) احکام و مبانی اقرار و شهادت و شرایط رجوع از آنها، حقوق و مدیریت، نخستین همایش ملی علوم اسلامی، قم، دانشگاه علمی کاربردی استانداری قم، اردیبهشت ماه.

ـ مدنی، سید جلال الدین (۱۳۹۳) ادله اثبات دعوی، چاپ دهم، پاییز، وفا، تهران

ـ موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۵) کتاب الشهادات، تقریر سید علی حسینی میلانی، چاپ اولف قم، المولف.

ـ مومن قمی، محمد (۱۳۸۰) مبانی تحریرالوسیله، جلداول، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم.

ـ مهاجری، علی (۱۳۸۰) شرح قانون آیین دادرسی مدنی، جلددوم، چاپ اول، تهران، گنج دانش.

ـ نراقی، مولی احمد (۱۴۰۵) مستند الشیعه فی احکام الشریعه، جلددوم، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

ـ یوسف زاده، علی و رامک، مریم(۱۳۹۶) بررسی مبانی و مفاهیم شهادت در فقه وق انون گذاری کیفری ایران، همایش ملی حقوق و علوم جزا، تهران، ۴خرداد.

ـ یوسفی (فاضل آبی) حسن بن ابی طالب (۱۴۱۰) کشف الرموز ی شرح المختصر النافع، جلد دوم، چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]